سریال «دفتر یادداشت» با وجود ایده جذاب فیلمنامه در استفاده از شوخی‌های خارج از عرف جامعه ایران افراط کرده است

فراموش‌خانه

میلاد جلیل‌زاده
خبرنگار گروه فرهنگ

رضا عطاران یکی از جدی‌ترین پدیده‌های طنز کمدی در ایران است. هنوز وقتی سریال‌های او در تلویزیون پخش می‌شوند، میلیون‌ها مخاطب مشتاق و لبخند به لب، به صفحه چشم می‌دوزند و لذت می‌برند، درحالی‌که کارهای رقیب آن روزهایش یعنی مهران مدیری، بعد از چند سال چندان تماشایی به نظر نمی‌رسند. او ذات و ماهیت یک مرد ایرانی را به خوبی درآورده و با خودش از داستانی به داستان دیگر می‌برد. این مرد ایرانی یک جا حاجی‌بازاری می‌شود و جای دیگر عاشق سینما، یک جا دزد است و جای دیگر پلیس، ولی همه جا آن مرد ایرانی که شیطنت و نجابت را و البته رندی و معرفت را همزمان در وجود خودش دارد، همراه خودش می‌برد. اگر دقت کنیم در دهه گذشته عطاران غالبا از سطح فیلم‌ها یا سریال‌هایی که بازی می‌کرد بالاتر بود. او خودش یک سر و گردن بالاتر از قصه‌های ضعیف و کارگردانی‌هایی که عمدتا سر دستی بودند، می‌ایستاد و مخاطب هم فقط برای دیدن عطاران بود که بلیت سینما یا اشتراک پلتفرم را برای یک سریال می‌خرید. مشکل کار اتفاقا همین جاست. نمی‌توانی عطاران باشی و با اتکا به این داشته شخصی ارزشمند، خیالت راحت باشد در هر پروژه‌ای که حاضر شوی، حتی اگر بسیار ضعیف باشد، توانسته‌ای سطح و وزن خودت را حفظ کنی. اکبر عبدی که او هم پدیده‌ای دیگر در کمدی ایران بود و در مقایسه با رقیب سال‌های جوانی‌اش یعنی علیرضا خمسه، ملاحت‌هایش تاریخ مصرف‌دار نیستند، دقیقا همین مشکل را داشت.

حضور در کارهای ضعیف و جلف و مبتذل، ظاهرا آخرین راهی است که در یک سینمای ضعیف و مبتذل‌شده برای یک کمدین باقی می‌گذارد تا امرار معاش کند و از یادها نرود و این از وجوه تراژیک کار کمدی در ایران است. سریال «دفتر یادداشت» که جز رضا عطاران تقریبا هیچ برگ برنده دیگری ندارد شاید نقطه اوج این وضعیت تراژیک در کارنامه این بازیگر باشد. چه عطاران، چه اکبر عبدی و چه هر کمدین بزرگ و مولف دیگری، برای اینکه هنرهایش را نمایش بدهد باید در موقعیت دراماتیک خاصی قرار بگیرد که امکان این جلوه‌گری را به او می‌دهد. وقتی قصه‌ای در کار نباشد برای خنداندن مخاطب فقط دو راه باقی می‌ماند. راه اول اصطلاحا درآوردن شکلک است. کمدی‌های اسلپ‌استیک که در آنها شلوغ‌بازی زیادی وجود دارد و کاراکترها کیک در صورت هم می‌کوبند و دنبال هم می‌دوند. این کار بیشتر به درد خنداندن بچه‌ها می‌خورد که با بازی درشت و هیجان‌های فیزیکی ساختارشکن که عمدتا خرابکاری‌های ممنوعه برای کودکان هستند، سر ذوق می‌آیند. بچه‌ها وقتی سن‌شان بالاتر رفت، خودشان به بزرگ‌ترهایی تبدیل می‌شوند که مانع خرابکاری کودکان هستند و دیگر بشکن‌بشکن و بکوب‌بکوب و دنبال هم کردن‌هایی که به دالی‌موشه شبیه است، آنها را نمی‌خندانند. راه دیگر که اتفاقا راحت‌تر هم هست و می‌شود آن را در بین تمام فیلمسازان دنیا به‌طور ویژه تخصص مبتذل‌سازان ایرانی دانست، استفاده از متلک‌های بودار جنسی است. در این شیوه، تصور می‌شود که با ربط دادن هر چیز ساده‌ای به مسائل جنسی مایه‌ای کمیک خلق شده. از اشیای دور و برمان تا کلمات، تعابیر و جمله‌های معمولی که کافی است با کمی دستکاری و اداهای مشکوک و موذیانه، دوپهلو تعبیر شوند و یک سر آنها به مسائل جنسی پهلو بزنند. این بی‌هنری محض است و پس از مدتی فقط کسانی به‌عنوان مخاطبان مشتاق این نوع کارها باقی می‌مانند که یا از سطح پایین‌تری از هوش عمومی برخوردارند یا سلیقه اجتماعی و هنری‌شان ارتقا پیدا نکرده است. این شیوه جذب مخاطب که برای پوشش ضعف در قصه‌گویی استفاده می‌شود، معمولا بین تولیدکننده‌ها و مخاطبان‌شان یک سیکل ویرانگر ایجاد می‌کند. تا وقتی چنین مواردی کم هستند، هنوز تابوشکنی جذاب است. بعد که این روش ساده باب شد و هر بی‌هنری به میدان آمد تا به این شیوه مخاطبانی جذب کند، مرتب نمک این کار کمتر می‌شود و آن تولیدکنندگان هم دوز کنایه‌های جنسی را مرتب بالاتر می‌برند. هر قدر این چرخه ادامه پیدا کند، چرخه اقتصادی هنر هم ویران‌تر می‌شود.

حتی اگر به هیچ اخلاقیاتی پایبند نباشیم و تنها با دید اقتصادی به موضوع هنر نگاه کنیم هم این وضعیت را چیزی جز خسارت محض نخواهیم یافت. در جریان فیلمفارسی قبل از انقلاب این چرخه یک بار تا انتها به آزمون گذاشته شد و نهایتا به ورشکستگی کامل رسید. از حوالی سال‌های ۵۳ و ۵۴ با فشار حکومت وقت، جریان موج نو سینمای ایران که بدیلی برای ابتذال تجاری سازان بود به محاق رفت و فیلمفارسی یکه‌تاز شد. آنها هم کاری بلد نبودند جز اینکه مرتب از روی کلیشه‌های قبلی خودشان کپی کنند و برای اینکه کپی‌ها نسبت به نسخه مبدأ، جذابیت بیشتری پیدا کنند، هر بار دوز مسائل جنسی کارها بالاتر می‌رفت. یک فیلمساز و تهیه‌کننده در همان دوره فیلمی ساخته بود به شدت ضعیف و مبتذل اما دو سال بعد خودش از همان فیلم کپی کرد و فقط نامش را تغییر داد. کار به جایی رسید که حتی اسامی فیلم‌ها را راحت نمی‌شد بر زبان آورد؛ «یک چمدان سکس» «رختخواب سه نفره» و... اما دیگر فایده نداشت و مخاطب مرتب کمتر می‌شد. درنتیجه سالن‌های سینمای ایران به تیول پخش‌کننده‌های خارجی درآمد و حوالی سال ۵۷، قبل از بالاگرفتن تب انقلاب، سینمای ایران کاملا ورشکست شده بود. حرکت بر این مدار همیشه کار را به ورشکستگی کلی صنعت فیلمسازی کشور می‌کشاند و اگر جلوی افرادی که سریال‌هایی مثل دفتر یادداشت می‌سازند به هر نحوی گرفته نشود، این نه‌تنها خاطر میلیون‌ها شهروند اخلاق‌مدار کشور را می‌آزارد، بلکه صنعت سینما و سریال‌سازی کشور را هم فشل می‌کند و حتی پولساز بودن چهره‌هایی از قبیل رضا عطاران را خنثی خواهد کرد. هیچ کمدین بزرگی به خاطر متلک‌پراکنی‌های بودار جنسی بزرگ نشده است و انداختن یک چهره جاافتاده در دام چنین فضاهای مبتذلی، چیزی نیست جز مصرف کردن او. شبیه کار کاسبی که به جای ارتزاق از سود و سرمایه‌اش، خود سرمایه را بی‌اینکه به تمام شدنش فکر کند، مصرف می‌کند.

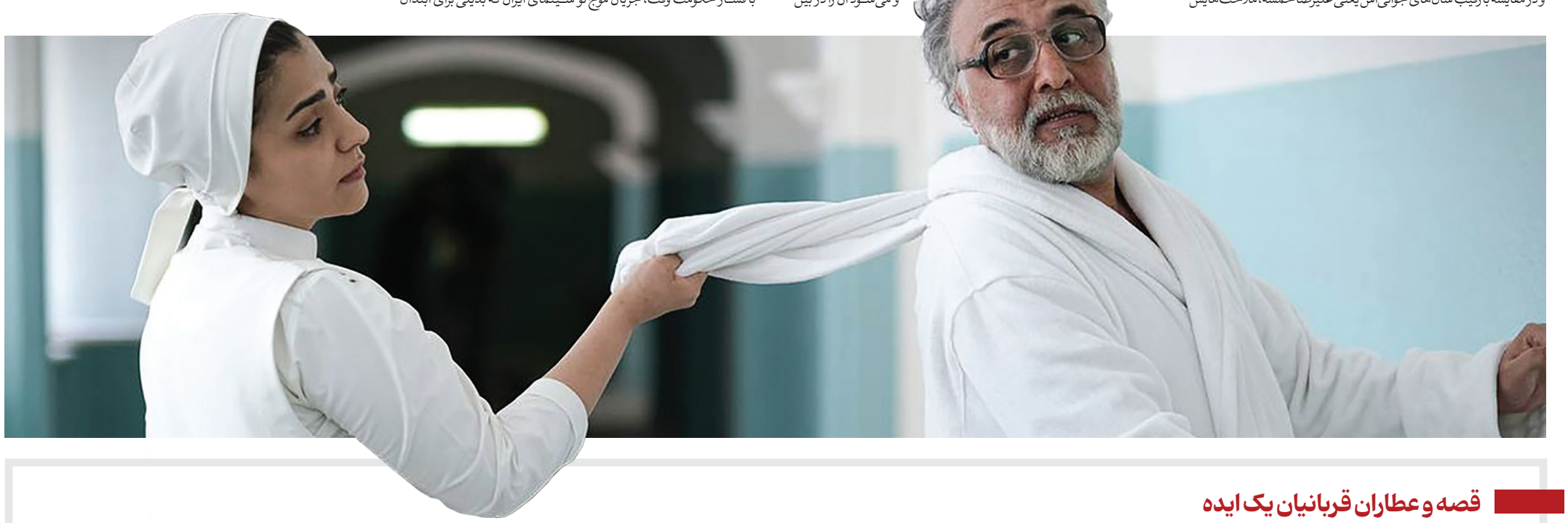

قصه و عطاران قربانیان یک ایده

عاطفه جعفری
خبرنگار گروه فرهنگ

با تصویری از یک مراسم عروسی شروع می‌شود و رضا عطاران با همان لحن و بازی همیشگی که این سال‌ها بسیار از او دیده‌ایم، این بار در نقش یک کارآگاه برای کشف یک ماجرا ظاهر می‌شود. همکار عطاران لباس عروس به تن کرده تا به کشف ماجرا کمک کند، اما پلیس از این اقدام سرخود بی‌اطلاع است. همین سکانس ساده، باوجود اینکه مستعد یک اجرای شیطنت‌آمیز است، اما روی کاغذ ظاهری ناهنجار ندارد، با این حال کارگردان همین سکانس را در فرم روایی، صورتی داده که بدن‌نمایی یک مرد زنپوش دستمایه شوخی‌های سکانس افتتاحیه شود. چهار قسمت از سریال «دفتر یادداشت» پخش شده و عمده شوخی‌های کار جدید کیارش اسدی‌زاده از همین جنس هستند و به نظر می‌رسد در ادامه همین را خواهیم دید.

داستان دفتر یادداشت در مورد زندگی ایرج مجد ۵۵ساله (با بازی رضا عطاران) است که نقش کارآگاهی را بازی می‌کند که توسط دوستش حمید (حسن معجونی) از آسایشگاه مرخص می‌شود تا پس از مرگ خواهرش با حضور در خانه پدری خاطراتش را به یاد بیاورد، اما یادآوری خاطره‌ای از دوران کودکی، این ظن را در او تقویت می‌کند که ممکن است خواهرش به قتل رسیده باشد و این سرنخی مهم برای کارآگاه زیرکی چون ایرج است. ایرج، چیزهای کوچک را خیلی زود فراموش می‌کند اما همچنان ذهنی خلاق و فعال در زمینه حل معماهای پیچیده دارد.

کاراکترها، ایده روایی و البته بازی به اندازه رضا عطاران، فرصت خوبی به کارگردان داده تا فارغ از دستکاری غیرحرفه‌ای، قصه‌ای منسجم را تعریف کند اما انگار در طراحی برخی از صحنه‌ها، دیالوگ‌ها و موقعیت‌ها، کنایه‌های جنسی گنجانده شده تا در یک رویه ناپسند، فضای کلی قصه تحت‌الشعاع قرار گیرد؛ رویه‌ای که نه‌تنها دایره مخاطبان را برای شنیدن یک داستان جذاب بیشتر نمی‌کند، بلکه منجر به شکل‌گیری صحنه‌های مشمئزکننده می‌شود تا حدی که تماشاچی از خودش بارها می‌پرسد، توجیه دراماتیک گنجاندن این کنایه‌ها چیست؟ نتیجه چنین پرداختی در قصه‌گویی جز این نیست که دایره دنبال‌کنندگان سریال محدود به کسانی شود که غرض‌شان نه دیدن یک داستان سرگرم‌کننده، بلکه کشف لایه‌های پنهانی از متلک‌های جنسی است که نهایتا به کار وایرال‌کننده‌های اینستاگرام می‌آید. در چنین وضعیتی خطر اینکه قصه اصلی گم شود، بعید نیست و طبیعی است که بار پیشبرد قصه روی دوش عناصر پرقدرت سریال مثلا بازی رضا عطاران می‌افتد. جنس بازی رضا عطاران، امکان خلق موقعیت‌های کمیک را فراهم می‌کند مشروط به اینکه کارگردان بخواهد و بتواند از ابعاد و جنس بازی او بهره ببرد و آن را در خدمت قصه اصلی قرار دهد. دفتر یادداشت، اگر در برخی نقاط سریال اینچنین بی‌پروایی نمی‌کرد و ملاحظه‌ای فراتر از مخاطبان فضای مجازی را هم لحاظ می‌کرد، می‌توانست در بستری فراگیرتر و مناسب خانواده‌های ایرانی پخش شود، اما به نظر می‌رسد همین توجیه انتشار در فضای پلتفرم، باعث شده در به کارگیری برخی از تعابیر اینچنین جسورانه رفتار کند. شاید یکی از دلایل چنین وضعیتی که دفتر یادداشت گرفتارش شده این باشد که با اقتباس از فضاهای فرمی و روایی یک سریال آمریکایی نوشته و ساخته شده است. دفتر یادداشت شباهت‌های آشکاری با سریال «فقط قتل‌های این ساختمان» دارد. این سریال کمدی- جنایی در سال ۲۰۲۱ پخش شد و داستان سه شیفته جنایت‌های واقعی است که ناگهان خودشان را درگیر یک پرونده اسرارآمیز می‌بینند و باید برای حل آن اقدام کنند. اتفاقات این سریال در ساختمانی در نیویورک جریان دارد و با محوریت سه شخصیتی است که باید معمای قتلی را حل کنند. اتمسفر حاکم بر دفتر یادداشت، فضای سردی دارد و تا حدودی متاثر از فضاسازی این سریال آمریکایی است؛ لاجرم برای اینکه این فضا برای مخاطب ایرانی ملموس شود، چاره‌ای جز بهره‌کشی از سابقه ذهنی تماشاگر نسبت به نقش‌های پیشین رضا عطاران ندارد. برای همین است که رضا عطارانی آشنا می‌بینیم که در این سریال یک بار دیگر تکرار شده است. دکور و صحنه‌های حاکم بر سریال به‌گونه‌ای طراحی شده که برای مخاطب ایرانی، غریب و ناآشناست و آن چیزی که به همراهی مخاطب با اثر کمک می‌کند، خرج کردن از اعتبار و توانایی بازی رضا عطاران است. بعید نیست که به‌کارگیری متلک‌های جنسی هم به همین منظور در کار گنجانده شده است. کارگردان می‌خواهد بین فضای رئال و فانتزی رفت و برگشت داشته باشد، برای همین گاهی فانتزی‌ای که می‌سازد، غیرقابل باور می‌شود، مخصوصا صحنه‌های اول سریال که در آسایشگاه می‌گذرد؛ انگار در فضای فانتزی ماندن برایش بسیار مهم است، حتی اگر با عدم‌باور مخاطب همراه شود. او می‌خواهد به برخی مسائل اجتماعی هم کنایه بزند، ولی آنقدر در فضای فانتزی می‌ماند که حتی این نقد اجتماعی هم باورش مشکل می‌شود، مثل زمانی که می‌خواهد قصه ازدواج منیر (مینا ساداتی) با بیژن (داریوش کاردان) را تعریف کند، اما آنقدر دچار فانتزی می‌شود که حرف اصلی‌اش فراموش می‌شود.

دبیر هفدهمین جشنواره «سینماحقیقت»:

سینمای مستند وارد دوره تحول شده است

گزارش

روز گذشته نشست خبری محمد حمیدی مقدم، دبیر هفدهمین جشنواره «سینماحقیقت» در سالن حقیقت مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی برگزار شد. حمیدی مقدم در ابتدای این جلسه گفت: «در این دوره از جشنواره اتفاقات متفاوتی رقم خورد و شاهد استقبال قابل توجه متقاضیان بودیم. ۶۴۰ فیلم مستند متقاضی حضور در جشنواره سینماحقیقت شدند که بیش از تعداد متقاضیان چهار سال گذشته است. تنها در سال ۱۳۹۸ شاهد چنین تعدادی با ۷۱۰ فیلم بودیم.» حمیدی مقدم ادامه داد: «۶۰ فیلمساز خانم متقاضی حضور در جشنواره شدند که عدد قابل توجهی است. همچنین ۳۸۰ فیلم مستند از شهرستان‌ها آمدند که از این تعداد ۳۸ فیلم از ۲۳ شهر در بخش مسابقه حضور دارند. این تنوع و تکثر استانی در جشنواره حقیقت بسیار زیبا است.» او با اشاره به اینکه گروه مشاوران، آثار راه‌یافته به جشنواره را انتخاب می‌کنند، گفت: «امسال همانند سال گذشته، برای انتخاب آثار راه‌یافته به جشنواره از مشاوران کمک گرفتیم. این کار را از سال گذشته آغاز کردیم و امسال نیز ۲۵ مشاور در کنار دبیر جشنواره، فیلم‌ها را انتخاب کردند. باید اشاره کنم که شاهد گوناگونی و تنوع بسیار خوبی در ترکیب فیلم‌های بخش‌های مختلف جشنواره اعم از ملی و آوینی هستیم. آثار راه‌یافته به جشنواره در موضوعات متعددی نظیر اجتماعی، خانواده، پرتره، مقاومت، انقلاب اسلامی، حیات وحش، تاریخی، ورزشی، محیط زیست و... هستند.»

حمیدی مقدم تاکید کرد: «جشنواره امسال متاثر از چهره‌های جدید است. حتما نوزایی محتوایی و کشف چهره‌های جدید رخ خواهد داد و البته شاهد حضور فیلمسازان پیشکسوت در جشنواره هستیم که استحکام و زینت جشنواره هستند.» او با اشاره به بخش ویژه غزه در جشنواره سینماحقیقت هفدهم گفت: «امسال در بخش بین‌الملل، یک بخش ویژه به نام «غزه» داریم و در آن مهم‌ترین فیلم‌های مستند درباره غزه را به نمایش می‌گذاریم. مستند «غزه» یکی از این فیلم‌هاست که تقریبا آخرین و جدیدترین اثر ساخته شده درباره غزه است. همچنین مستندهای دیگری نظیر «اشک‌های غزه»، «نوار غزه» و... به نمایش درخواهند آمد. هدف ما این است که نگاه تحلیلی به مستند بحران داشته و با توجه به تجربیات جهانی، دو پنل ویژه ساخت مستندهای بحران داشته باشیم.» مدیر مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی در بخش دیگری از صحبت‌های خود گفت: «سال گذشته، جشنواره سینماحقیقت کار خود را با نمایش یک مستند از گونه حیات وحش آغاز کرد تا اهمیت این ژانر در جشنواره سینماحقیقت را نشان بدهیم. امسال هم باید بگویم که ۲-۳ فیلم قدرتمند در حوزه حیات وحش خواهیم داشت.» وی اضافه کرد: «توجه اصلی ما در هدف‌گذاری جشنواره هفدهم، دو موضوع آب و جمعیت است. با توجه به اینکه پیش‌بینی می‌کردیم امسال تولیدات کمی در این موضوع داشته باشیم، تعدادی از تولیدات خود در مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی را وارد جشنواره کردیم.»

دبیر هفدهمین جشنواره سینماحقیقت گفت: «امسال سه بزرگداشت و نکوداشت خواهیم داشت و مراسم ویژه برای مرحوم مرتضی پورصمدی، اصغر بختیاری و مهرداد زاهدیان برگزار می‌شود. فیلم مستند «تاراز» ساخته فرهاد ورهرام با تصویربرداری مرتضی صمدی در افتتاحیه جشنواره پخش می‌شود و افتتاحیه ما به زنده‌یاد پورصمدی تقدیم می‌شود.» حمیدی مقدم درباره محل برگزاری جشنواره امسال گفت: «به صورت موقت به پردیس سینمایی ملت رفته بودیم و جشنواره امسال به پردیس چارسو بازگشت. با درنظرگیری جمیع نظرات به این نتیجه رسیدیم که پردیس چارسو محل بهتری برای برگزاری جشنواره است، البته مشکلاتی مانند تعداد سالن‌ها خواهیم داشت.» دبیر این رویداد سینمایی از بازگشت آرای مردمی به جشنواره سینماحقیقت خبر داد و گفت: «تلاش می‌کنیم آرای تماشاگران دوباره به جشنواره برگردد. این موضوع با همکاری انجمن تهیه‌کنندگان سینمای مستند و سامانه هاشور انجام می‌شود و تلاش می‌کنیم رای‌گیری مردمی با صحت کامل انجام شود.» حمیدی مقدم در پاسخ به سوالی درباره حضور فیلم‌هایی با موضوع حوادث سال گذشته در جشنواره امسال گفت: «۶۴۰ اثر متقاضی شدند، اما شاید ده‌ها مستند ساخته شده باشد که به درگاه ورودی ما نرسیده‌اند. مشاوران ما بدون سوگیری سیاسی تمام این فیلم‌ها را دیدند. یک یا دو فیلم درباره وقایع سال گذشته داریم اما فیلم شاخصی در این حوزه ندیدیم. البته یکی از مطالبات ما ورود فیلم‌هایی درباره وقایع اجتماعی پیرامون است.»

دبیر جشنواره سینماحقیقت درباره سینماگرانی که سال گذشته بیانیه امضا کردند، گفت: «جشنواره شانزدهم، رویداد عجیبی بود. امسال مرکز با ۵۱ فیلم در جشنواره حضور دارد و نگاه بازی به همه فیلم‌ها داریم. اکثر دوستان سال گذشته هنوز با مرکز در ارتباط هستند زیرا درهای مرکز به سمت حرف دغدغه‌مند باز است و از سال گذشته نیز قراردادهایی با دوستانی داشتیم که سال گذشته در جشنواره نبودند. علاوه‌براین، همکاران من شخصا برای برخی از افراد پیشکسوت و شناخته شده مستند، کارت دعوت بردند.» او درباره نمایش آنلاین جشنواره هفدهم نیز گفت: «شما می‌دانید که جشنواره یعنی حضور فیزیکی، تجمع و گفت‌وگو و نمایش آنلاین، اما نمایش آنلاین یک بخش مکمل بود. همه‌گیری کرونا باعث شد در حوزه اکران آنلاین پیشتاز باشیم که البته برای ما آورده داشت و آن هم دیده شدن فیلم‌ها در دورافتاده‌ترین نقاط کشور بود. تهدید کپی شدن فیلم‌ها نیز وجود داشت اما با تلاش همکارانم این احتمال کمتر شد.» حمیدی مقدم تاکید کرد: «خود من تا چند روز آخر مردد بودم که آیا نمایش آنلاین داشته باشیم یا خیر، اما با فشار فیلمسازان و کمپانی‌ها که می‌گفتند مستندها باید دیده شود، تصمیم گرفتم امسال هم نمایش فیلم به صورت آنلاین داشته باشیم. البته این موضوع برخلاف سال‌های گذشته اختیاری است و یک امتیاز برای فیلمسازی داریم که علاقه به نمایش آنلاین فیلم خود دارند. برای آنها یک حق پخش درنظر گرفته‌ایم.»

حمیدی مقدم همچنین تاکید کرد: «امسال فیلم‌های خوبی را شاهد خواهید بود و حاضرم بعد از جشنواره یک نشست خبری دیگر بگذارم. معتقدم سینمای مستند ما وارد دوره تحولی شده است. امسال شاهد یک جهش خواهیم بود؛ مطالبه‌گری، حق خواهی، مبارزه با فساد، از پای ننشستن و... مهم‌ترین موضوعات فیلم‌های جشنواره است. آن قدر شهامت دارم که ۶۴۰ فیلم خود را به شکل آنلاین به نمایش بگذارم تا قضاوت کنید. مستندهای خوبی را خواهید دید که در یاد شما خواهد ماند. دبیر جشنواره سینماحقیقت درباره بلیت فروشی نیز گفت: «بلیت فروشی احترام به سینمای مستند است و باید این رسم باشد. در بحث نمایش هم موزه سینما یکی از مهم‌ترین سالن‌های خود را به این جشنواره اختصاص داده است که در آنجا کاملا بلیت فروشی انجام می‌شود. همچنین بخشی از سالن چارسو و چیزی حدود ۲۰ تا ۳۰ درصد را برای فروش مردمی قرار دادیم که این عدد به استقبال اهالی رسانه بستگی دارد.» وی ادامه داد: «همچنین منتخب جشنواره سینماحقیقت در ۶، ۷ و ۸ دی ماه در ۱۰ شهر و سینماهای هنروتجربه نمایش داده می‌شود.»

دوشنبه ۲۰ آذر ۱۴۰۲
شماره ۴۰۳۰
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY